

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

دوشنبه اول فیبروری ۲۰۲۱

نجیب سخی

سانسور و قلم شکنی در سایتهای افغانی!

اینکه می بینی خلاف آدم اند نیستند آدم غلاف آدم اند

(مولانا)

درین شرائطی که عده ای از ژورنالیستان داخل بقتل میرسند و گروهی هم مجبور بترک وطن می شوند. سانسور در سایتهای خارج کشور موج میزند و زبانه میکشد. من سالهای قبل در رابطه باین موضوع، خطاب بامریت یکی از سایتهای خارج کشور مراتب ذیل را نوشتم، که البته از طرف آن سایت، یعنی افغانستان آزاد - افغانستان سانسور شد:

«جناب من تصور میکنم که ما محصول جامعه قرون اوسطائی هستیم؛ باوجود آنکه چند دهه می شود در غرب زیست داریم؛ اما جراحات و علایم عینی آن جامعه را با خود حمل میکنیم. روابط انترنتی که در اقلیم دیگر و بوسیله افراد دیگری ترکیب و تعمیر شده است و ما از متاع آماده استفاده میکنیم؛ اما همین سایت های انترنت را به معبد و زیارت قرون اوسطائی تبدیل نموده ایم؛ زیرا دو عینیت آزادی بیان و دموکراسی را از آن حذف کرده، که هر «سایت زیارت» از خود سه چهار مجاور دارد، که نوشتهها و نظرات آنها را بصورت دیدگاهی واحد؛ هر بار که صفحه سایت شانرا باز کنید؛ جلب توجه میکند؛ اگر سطری بر ضد یا مخالف همین نظر واحد بنویسید، بلاتحاشی دچار سانسور و زبان بریدگی میگرددید!! در حقیقت آنچه آزادی بیان، آزادی عقیده، بحث دموکراتیک، حق جواب و دگراندیشی است، درین زیارت سایتها ممنوع و موقوف است! هر یک ازین مجاورین زیارت محافظ دگمی هستند، که تنها خود بدان ایمان و عقیده دارند!»

این وضعیت در خارج کشور و بین روشنفکران و دموکراتهای اروپا نشین رخ داده و میدهد؛ بکشور اشغال شده چه امید میتوان بست در رابطه به آزادی بیان، عقیده و خبر.

درجه سانسورگری خارج کشور در تمام سایتها یکسان نبوده؛ هرکدام نظر به طبیعت اش کارد، شمشیرش و یا تبر را در زبان بریدن و قلم شکستن بکار می برند.

این سایتها با عاملین زندان سرای موتی، دهمزنگ، پلچرخ، ارتجاع مذهبی، وحشت طالبی و دیگر عقبگراها؛ منجمله دولت کابل؛ باهم یک مخرج مشترک دارند؛ البته در مقیاس و ابعاد متناسب با ساحت توانائی و قدرت شان؛ و آن سانسور کردن و قلم شکستن است!

گروه اول: آنهایی هستند که خود را «تارنمای» میخوانند؛ مانند: فراسو، خراسان زمین و من در زبان فرانسوی جستجو کردم؛ اما معادل فرانسوی تارنما را نیافتم؛ در حقیقت فرهنگستان ایران برای بندگان و پیروان خود این اصطلاح را تولید کرده است. این سایتها بزرگترین دشمنان زبان پارسی دری و فرهنگ افغانی خراسانی هستند؛ زیرا اینها از عقب خنجر میزنند؛ هرچه با فرهنگستان ایران و محصولاتش؛ بر بخورد با تیر سانسور میشود.

گروه دوم پرچمی ها هستند؛ مانند افغان جرمن آنلاین، که میر و ملک آن پرچمی خط بینی کشیده اعظم سیستانی است؛ عضو هیأت رئیسه شورای انقلابی حزب خلق و پرچم. این پرچمی قسم خورده مکمل عنوان نوشته را تغیر میدهد؛ بخیال اینکه در کمیته مرکزی حزب و طنفروش قرار دارد. در صورتی که اعتراض کنید، سانسور.

آریائی سایت دیگر اینهاست؛ اما او خودش را «آریایی» میخواند. امر جالب در زمینه؛ کاین شخص نوشتن نام خود را نمیداند؛ زیرا او نام خود را «جرئت» مینویسد!

در نوشته ئی برایش توضیح کردم کاین طرز تحریر درست نیست؛ البته نوشته کاملاً سانسور شد. همینقدر تأثیر کرد که بالای سایت خود یک جا خود را «جرئت» مینامد مثل گذشته؛ اما در جای دیگر «جرات»! این عذر بدتر از گناه است؛ زیرا هیچ زبان در روی زمین؛ برای یک کلمه که عین معنی و عین آواز و تلفظ را دارد؛ دو طرز تحریر را بکار نمیبرند! و این واقعاً اهانتی است کز طرف چنین افراد، یعنی پیروان فرهنگستان ایران نسبت بتاریخ ادب و زبان پارسی دری صورت میگیرد. این شخص؛ با همین سطح دانش در مورد تاریخ، ادب و مذهب یک ملت روایت و موعظه مینماید، و بخود حق سانسور را میدهد.

گروه دیگر: شعله ئی های سابقه، که در ظاهر دموکرات و در باطن دیکتاتور هستند، که مثال آن افغانستان آزاد - آزاد افغانستان است. این سایت در نوشته سالم شما مداخله کرده و آنرا ایرانی نویسی میکند. اگر دلیل پیش کنید سانسور می شود. من عملاً برایشان ثبوت کردم که «ویرایش» کلمه پهلوی است؛ جواب؛ سانسور!!

سایت دیگری با نام دورگه «گفتمان»! این اسم از آنجهت دورگه هست، که ترجمه نصف یک لغت فرانسوی، یعنی کلمه پارلمان است **parlement** .

در حقیقت نصف کلمه فرانسوی را ترجمه کرده، و نصف دیگرش بحالت فرانسوی اما با الفبای پارسی نوشته اند «*parle*»، که بمعنی گفت است. اینرا ترجمه کرده اند و «*ment*»، پسوند زبان فرانسوی است؛ آنرا در وضعیت فرانسویش بکار برده اند، یعنی «مان»؛ کلماتی مانند؛ ترجمان آسمان و ریسمان در زبان ما وجود دارد اینرا نیز در همان جمله قلمداد نموده اند. از اینجاست کاین کلمه در هیچ لغتنامه معتبر و در هیچ اثر تاریخ ادب پارسی وجود ندارد؛ لهذا این کلمه دورگه است؛ اما (دانشمندی) سالهاست که خود را چنین مینامد هر چیزیکه به مذاقش جور نیامد راهی باطله دانی و سانسور میشود. این ها آنچه کز دموکراسی در شعله جاوید سابقه باقی مانده بود، آنرا به کاهدان تبدیل کرده اند.

آخرین این ها، که من میشناسم آریانا افغانستان آنلاین است. درین دسته گروهی از دهن جوال بگیر های تاریخی و سرداران متقاعد جمع شده، که همدیگر را سردار صاحب و رئیس صاحب خابط و مخطوب قرار میدهند. این دسته با ذهنیت قرون اوسطائی، در قرن بیست و یکم وارد شده اند. اکثراً باسابقه و شناخته شده هستند. اگر حرفی در جهت شرح هویت و کردار گذشته این ها ذکر شود با تبر سانسور میشود!

این سایتها را که نام گرفتم هیچکدام مرام تنویری ندارند؛ بلکه هدف شان بکرسی نشاندن ادعا و نظر شخصی و عاریتی شائست. هیچکدام ازین افراد فهم، بینش و روشنائی اینرا ندارند که نظرات وارده را با منطق و دلیل دفع و رد کنند؛ بغیر از سانسور. اینها که سرای موتی دهمزنگ و پرچی ها که پلچرخ را در دست داشتند؛ از کشته روشن فکر پشته انداختند. هرکدام این ها که بقدرت برسند؛ دستان طالب و مطلوب را در امر سانسور از عقب خواهند بست. تنها نظرات خود را نشر و تکراراً نشر و پخش میکنند. در حقیقت این ها برای دیگران حق فکر کردن و اندیشیدن را نمیدهند!!

انتهی